



# مقام ابراهیم و سیر تاریخی آن

مهدی پیشوایی - حسین گودرزی

## قداست و سابقه تاریخی مقام ابراهیم

از جمله آیات و نشانه‌های خداوند در روی زمین «مقام ابراهیم» است<sup>۱</sup> و آن عبارت از سنگی است به مقدار یک ذراع در یک ذراع که اثر پای حضرت ابراهیم در آن باقی است.<sup>۲</sup>

مقام ابراهیم از جمله سنگهای مقدس روی زمین است. روایت شده است که از سنگهای بهشتی در روی زمین؛ یکی سنگ «مقام» و دیگری «حجرالأسود» است.<sup>۳</sup> مقام از یادگارهای حضرت ابراهیم - ع - است که هزاران سال بر آن گذشته و از حوادث گوناگون طبیعی و اجتماعی مصون مانده است، و چنانکه گفته شد قرآن آن را از آیات روشن خداوند می‌داند.<sup>۴</sup> این حاکی از آن است که کسانی که کعبه را مقدس می‌دانستند، نشانه‌های ابراهیم، معمار کعبه را نیز ارج می‌نهادند. از این رو در حفظ و حراست شکل کعبه و آثار مربوط به آن، نهایت تلاش و جدیت را نموده‌اند که از مهمترین آنها «حجرالأسود» و «سنگ مقام» است که چه قبل از اسلام و چه بعد از آن، مورد توجه و احترام و تقدس بوده‌اند. اما سرگذشت این دو اثر، متفاوت است؛ چون محل حجرالأسود از همان آغاز معین بود و در گوشه کعبه و کنار در آن کار گذاشته شده بود، در تغییراتی که در اثر حوادث و مرور زمان بر این خانه پیش می‌آمد محل آن تغییر نکرده است ولی در مورد مقام ابراهیم که در بنای کعبه جای

مخصوصی نداشته و در خارج و کنار کعبه بود دچار جابجایی شده است. از آنجا که این تغییر در روایات و تاریخ مورد بحث قرار گرفته است و از طرفی در فقه شیعه واجب و از نظر اهل سنت مستحب است که نماز طواف، پشت مقام خوانده شود، سزاوار است این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که محل اصلی مقام کجا بوده و چرا و چگونه و به دست چه کسی تغییر مکان پیدا کرده است؟!

### محل اصلی مقام

در روایات بسیاری از اهل سنت و شیعه و گزارش مورخان آمده است که:

«كان المقام مصلقاً بالبيت»؛ «مقام ابراهیم به خانه [خدا] چسبیده بوده است».<sup>۵</sup>

هنگامی که ابراهیم خانه را می ساخت آنگاه که دیوارها بلند شد و دست ابراهیم به آن نرسید، اسماعیل این سنگ را برای او آورد و ابراهیم روی آن می ایستاد و گرد خانه می گشت و سنگهای دیوار را کار می گذاشت و آنگاه که بنا تمام شد، سنگ (مقام) را کنار خانه گذاشت. این موضوع را «سعید بن جبیر» از «ابن عباس» نقل می کند.<sup>۶</sup> چسبیده بودن «مقام» به خانه خدا علاوه بر مأخذ اهل سنت در منابع و کتب شیعه نیز آمده است.<sup>۷</sup>

ازرقی در اخبار مکه از ابوسعید خُدَری نقل می کند که ابراهیم مأمور شد مقام را قبله خود قرار دهد و آن را کنار دَرِ کنونی کعبه قرار داد و مدتها قبله بود و پس از آن اسماعیل نیز به جانب آن روبروی دَرِ کعبه نماز می گزارد و مدتها قبله بود. پیامبر اسلام - ص - چون به مکه می آمد، چنان روبروی کعبه قرار می گرفت که مقام روبروی ایشان؛ میان او و خانه واقع می شد.<sup>۸</sup>

از آنچه گفته شد معلوم می شود که قبله قرار دادن مقام، از زمان ابراهیم و اسماعیل تا زمان پیامبر - ص - سابقه تاریخی دارد. قرآن نیز مسلمانان را بدین معنا دعوت می کند: «مقام را جایگاه نماز قرار دهید».<sup>۹</sup> معلوم می شود که مقام ویژگی و خصوصیتی دارد که باید محل نماز و قبله نمازگزار باشد.

بنابر این می توان از احادیث و گزارشهای فراوان تاریخی، اطمینان پیدا کرد که جای مقام، محل فعلی آن نبوده و نزدیک دَرِ خانه و چسبیده به آن بوده است، چنانکه «فأسی» و «فأکھی» از مردم مکه نقل می کنند که بین مقام و کعبه به مقدار عبور بزی فاصله بوده است.<sup>۱۰</sup>

### تغییر محل مقام توسط چه کسی انجام پذیرفت؟

اکنون که روشن شد مقام به بیت متصل بوده، باید دید محل آن چگونه، چرا و به وسیله چه کسی

تغییر یافته و مقدار ۲۷ ذراع میان خانه و مقام فاصله ایجاد شده است؟ آنچه از گزارش مورخان و کتب حدیث به دست می‌آید این است که خلیفه دوم محلّ مقام را تغییر داده است. این معناگاهی در ضمن بیان حادثه‌ای طبیعی، به نام سیل «ام نهشل» نقل شده، و گاهی به عنوان اولیات و ابداعات و ابتکارات مهم عمر در دوران خلافتش، و گاهی بصورت گزارشی در باب مقام یاد شده است. ما برای اینکه همه جوانب تاریخی این حادثه روشن شود هر سه گزارش را از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرانیم و سپس به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- ابوالولید ازرقی، مؤلف کتاب اخبار مکه، از پدر بزرگ خود از داود بن عبدالرحمن از ابن جریج از کثیرین کثیر بن مطلب بن ابی وداعه سهمی<sup>۱۱</sup> از پدرش و او از پدر بزرگش نقل می‌کند که می‌گفته است: پیش از این که عمر بن خطاب سنگ چین منطقه بالای مکه را درست کند، از ناحیه در بنی شیبه سیلاب وارد مسجد الحرام می‌شد؛ آن چنان که این در را «در سیل‌ها» نام گذارده بودند و گاهی مقام را از جای خود می‌کند و آن را کنار کعبه می‌برد تا آن که به روزگار حکومت عمر بن خطاب سیلی آمد که به سیل «ام نهشل» معروف شد؛ زیرا ام نهشل دختر ابی عبیده بن ابی احیحه، سعید بن عاص را با خود برد و او در آن سیل غرق شد و مرد، این سیل مقام را از جای کند و برد و آن را در محله پایین مکه بدست آوردند و آوردند و به پرده‌های کعبه متصل کردند و در این باره برای عمر نوشتند و او در حالی که از این واقعه ترسیده بود در ماه رمضان به قصد عمره به مکه آمد<sup>۱۲</sup> محل اصلی مقام را سیل از میان برده بود و نشانه آن هم محو شده بود، عمر مردم را فراخواند و گفت شما را به خدا سوگند می‌دهم هر کس اطلاعاتی از جای دقیق مقام دارد مرا آگاه کند، مطلب بن ابی وداعه<sup>۱۳</sup> سهمی گفت: ای امیرمؤمنان من می‌دانم؛ زیرا از چنین پیشامدی بیمناک بودم و اندازه فواصل آن را تا حجرالأسود و حجر اسماعیل و چاه زمزم با نخ گرفته‌ام و در خانه‌ام موجود است، عمر به او گفت: همین جا بنشین و بفرست آن نخ را بیاورند. چون نخ و ریسمان را آوردند و اندازه گرفتند جای مقام همین جای کنونی تعیین شد، عمر از مردم دیگر هم پرسید و با آنان مشورت کرد، گفتند: آری همین جا محل مقام است و چون این موضوع ثابت شد و برای عمر مسلم شد؛ نخست برای آن پایه‌ای ساختند و سپس مقام را به جای خود منتقل کردند که تا امروز همچنان بر جای خود باقی است.<sup>۱۴</sup>

۲- مورخان و رجال نویسان اهل سنت در شرح زندگانی و خلافت عمر، بدون آن که به انگیزه

کار، اشاره کنند، می‌نویسند:

«هو (عمر) الَّذِي آخَرَ الْمَقَامَ إِلَى مَوْضِعِهِ الْيَوْمَ وَكَانَ مَلْصِقًا بِالْبَيْتِ»؛ «عمر بود که مقام را به

عقب کشید و در محل کنونی قرار داد و قبلاً چسبیده به کعبه بود».<sup>۱۵</sup>

در منابع شیعه نیز تغییر محل مقام، به عمر نسبت داده شده است.<sup>۱۶</sup>

۳- فاکهی از سعید بن جبیر نقل می‌کند: مقام ابراهیم کنار کعبه بود و هنگامی که دیوارها بالا می‌آمد، بر روی آن می‌ایستاد تا بر دیوارها مسلط شود، و چون جمعیت زائران بسیار شد، عمر ترسید که آن را پایمال کنند. از این رو آن را به جایی که امروزه هست برگردانید.<sup>۱۷</sup>

«ابن حجر عسقلانی» این معنا را بدین گونه مطرح می‌کند: چون عمر دید ماندن مقام در محل اصلی موجب تضییق بر نمازگزاران و طواف‌کنندگان می‌شود، آن را در محلی قرار داد تا رفع مشکل و تنگنا از حجاج بشود.<sup>۱۸</sup>

### انگیزه تغییر محل مقام؟

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که مقام ابراهیم بوسیله عمر جابه‌جا شده است اما این که انگیزه او در این کار چه بوده مورد اختلاف است:

چنانکه گذشت، برخی این تغییر را به حادثه سبیل «ام نهشل» که شرحش گذشت مرتبط دانسته‌اند و غالباً چنین گفته‌اند:

«سبیل مقام را جابه‌جا کرد، عمر آن را به اینجا که محل اصلی آن است برگردانید.»

باید دید این محل همان محل زمان رسول خدا است، یا این که به محلی برگردانده که خود قبلاً به آنجا انتقال داده بود؟!

«ابن حجر» از «ابن عیینه» نقل می‌کند که مقام در زمان رسول خدا به خانه چسبیده بود و عمر آن را تغییر داد، پس از آن سبلی آمده، آن را برد و عمر به جایی که قبلاً تعیین کرده بود برگردانید.<sup>۱۹</sup>

این گزارش نشان می‌دهد که پیش از واقعه سبیل، عمر مقام را تغییر داده بوده و بعد از این واقعه، آن را مجدداً به همان محل برگردانیده است.<sup>۲۰</sup>

چنانکه گذشت، عده‌ای دیگر برای تغییر محل مقام، توجیهی دیگر گفته‌اند: چون مقام پایمال نمازگزاران می‌شد، عمر دست به این تغییر زد، و برای این که محل، برای طواف و نماز وسیعتر شود، مقام را به عقب برگردانید.

برخی از علمای اهل سنت، تغییر محل مقام توسط عمر را، با گزینش مقام ابراهیم بعنوان «مصلی» (نمازگاه) ارتباط داده و گفته‌اند: نزول آیه: «و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» موافق پیشنهاد عمر به پیامبر بوده است، چنانکه عبدالله بن عمر می‌گوید: پیامبر دست عمر را گرفت و نزد

مقام برد و فرمود: این مقام ابراهیم است. عمر گفت: یا رسول الله چرا آن را «مصلی» قرار نمی‌دهی؟ و بعد از آن آیه «و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» نازل شد.<sup>۲۱</sup>

«ابن حجر» تغییر محل مقام به وسیله عمر را به نزول آیه یاد شده چنین ارتباط می‌دهد: چون به درخواست عمر، مقام، «مصلی» شده بود، تغییر محل آن برای او آسان بود و آمادگی چنین کاری را داشت.<sup>۲۲</sup> وی برای این که کار عمر را شرعی قلمداد نماید چنین اضافه می‌کند: از این که صحابه و تابعین هیچ‌گونه اعتراضی به این اقدام نکردند، معلوم می‌شود که این کار مورد تأیید آنان بوده و مورد اتفاق و اجماع واقع شده است.<sup>۲۳</sup>

### نقد و بررسی گزارشها و اقوال

در بدو نظر تشخیص واقعیت قضیه از میان این گزارشها و اقوال و روایاتی که پیرامون این قضیه در منابع اهل سنت وارد شده، مشکل می‌نماید. از این رو برخی از دانشمندان معاصر اهل سنت، در ارزیابی صحیح این گزارشها، به زحمت افتاده و از میان آنها گزارش نخست را برگزیده‌اند و نظریه دوم را از این نظر بعید شمرده‌اند که عمر، به خود جرأت و اجازه نمی‌داده که محل مقام را از جایی که زمان پیامبر - ص - و ابوبکر بوده، تغییر دهد.<sup>۲۴</sup> و به نظر می‌رسد نقل دوم درست باشد.

ولی ارتباط این موضوع با پیشنهاد عمر راجع به مقام و نزول آیه مربوط به مقام ابراهیم به این مناسبت، مشکوک به نظر می‌رسد؛ زیرا راوی این روایت، عبدالله بن عمر است و به گفته دانشمندان علم حدیث یکی از موارد انگیزه جعل حدیث «فضائل افراد» است. حال اگر فرزندی فضیلت پدر را نقل کند، جای تأمل بیشتری است. از این گذشته مفسران گفته‌اند: سوره بقره (که آیه مزبور جزء آن است) در مدینه نازل شده است و این آیه را استثنا نکرده‌اند. بنابر این نزول آیه مربوط به مقام، ارتباطی با عمر نداشته تا - چنانکه ابن حجر عنوان می‌کند - زمینه‌ای برای تسهیل تغییر محل آن باشد! تلاش افرادی مانند ابن حجر برای ارتباط این دو موضوع با یکدیگر، تلاش برای موجه جلوه‌دادن کار خلیفه دوم به نظر می‌رسد.

در منابع و روایات شیعه، تغییر محل مقام توسط عمر، جزء بدعت‌های او شمرده شده است. بنابر این اگر قضیه سیل ام نهشل درست باشد، معلوم می‌شود سیل، مقام را بعد از تغییر محل آن توسط عمر، جابجا کرده و او آن را به محل قبلی برگردانیده است.

### اعتراض امامان به تغییر محل مقام

نقل شده است که روزی علی - ع - در حضور جمعی از اهل بیت و یاران خاص خود خطبه‌ای خوانده و ضمن آن، پس از برشمردن تحریفها و دگرگونیهایی که زمامداران پیشین - دانسته و آگاهانه - در احکام اسلام به وجود آورده بودند، اظهار نگرانی کرد و فرمود: اگر من بخواهم امت اسلامی را به زمان رسول خدا برگردانم و آنان را وادار به اجرای صورت درست این احکام کنم، سپاهیان من از اطرافم پراکنده می‌شوند، و جز تعداد اندکی از شیعیان و کسانی که موقعیت و فضیلت مرا می‌شناسند، و امامتم را قبول دارند، کسی با من نمی‌ماند. امام در این خطبه یکی از احکام تحریف شده را، تغییر محل مقام از محل زمان پیامبر اسلام - ص - معرفی فرمود.<sup>۲۵</sup>

امام صادق - ع - فرمود: چون خداوند به ابراهیم وحی نمود:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ».

«و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده، از راههای دور، نزد تو بیایند».<sup>۲۶</sup>

ابراهیم سنگی را که هنوز اثر پاهایش در آن است، برگرفت و آن را جنب خانه و چسبیده به آن قرار داد. سپس روی آن ایستاد و با صدای بلند آنچه را خدا فرمانش داده بود گفت. چون ندا داد، سنگ تاب نیاورد و پای ابراهیم در آن فرو رفت. ابراهیم پای خود را بیرون کشید و سنگ در همان محل باقی ماند. و چون بعدها جمعیت بسیار شد و مردم ازدحام آوردند [پیشینیان] رایشان بر این قرار گرفت که آن را در این محل قرار دهند تا این که محل طواف برای طواف کنندگان باز شود. چون خداوند محمد - ص - را مبعوث کرد او مقام را به جایی که ابراهیم قرار داده بود برگردانید. تا زمانی که رسول خدا زنده بود و زمان خلافت ابی‌بکر و آغاز خلافت عمر در همان محل قرار داشت، لیکن عمر گفت مردم در محل مقام ازدحام می‌کنند، چه کسی جای آن را در زمان جاهلیت می‌داند؟ مردی گفت: من محل آن را با معیاری اندازه گرفته‌ام. عمر گفت آن نزد تو است؟ گفت: آری، عمر گفت: آن را بیاور، و آنگاه دستور داد مقام را برداشته و به جایی که الآن هست انتقال دهند.<sup>۲۷</sup>

### تأثیر فقهی جابجایی مقام

جابجایی مقام توسط خلیفه دوم موجب گشت که بعدها در ذهن و اندیشه مردم در مورد نماز طواف، این سؤال پیش آید که تکلیف نماز پشت مقام چگونه است؟ آیا خواندن نماز طواف در محل فعلی مقام صحیح است یا نه؟ بر این اساس از امام رضا - علیه السلام - در این مورد چنین سؤال می‌شود: آیا دو رکعت نماز واجب طواف را پشت مقامی که الآن هست بخوانم یا جایی که در عهد

رسول خدا - ص - بوده است؟ امام می‌فرماید پشت جایی که فعلاً مقام هست بخوان. ۲۸.  
محمد بن مسلم می‌گوید: [از حضرت صادق یا باقر - علیهما السلام -] دربارهٔ محدودهٔ طواف اطراف خانهٔ خدا، محدوده‌ای که اگر کسی خارج از آن طواف کند، دور خانه طواف نموده است، پرسیدم.

امام فرمود: مردم در عهد رسول خدا - ص - بر گرد خانه و مقام طواف می‌نمودند و شما امروزه میان مقام و خانه طواف می‌کنید. محدودهٔ طواف جایگاه فعلی مقام است، هرکس از آن تجاوز کند از جملهٔ طواف کنندگان محسوب نمی‌شود. محدودهٔ طواف در روزگار پیشین و امروزه یکی است: به مقدار فاصلهٔ بین مقام و خانه، از هر طرف، هرکس طواف کند و بیش از فاصلهٔ مذکور از خانه دور شود، خانه را طواف نموده است؛ چونکه بر مسجد [الحرام] طواف نموده، نه بر دور کعبه. و چون در محدوده طواف، دور نزده است طوافش درست نیست. ۲۹.

بر اساس همین دلایل روایی، فقهای معاصر شیعه در فقه استدلالی، در مورد محل نماز طواف تصریح می‌کنند که باید پشت مقام در محل فعلی، خوانده شود نه پشت محل مقام که در زمان پیامبر بوده است. به عنوان نمونه به نقل دو فتوا اکتفا می‌کنیم:

- ۱ - چنانکه طواف حد معینی دارد، نماز طواف هم محل معینی دارد و در غیر آن محل نباید خوانده شود، و آن، محل مقام فعلی است نه محل مقامی که در عهد رسول خدا بوده است. ۳۰.
- ۲ - مشهور میان فقهای شیعه این است که نماز طواف باید نزد مقام خوانده شود و مقصود از مقام، محل فعلی آن است نه جایی که در عهد رسول خدا و یا در عهد ابراهیم، بنیانگذار کعبه بوده است. ۳۱.

### پی‌نوشتها:

- ۱ - «فیه آیات بینهات مقام ابراهیم...»، آل عمران: ۹۷.
- ۲ - در مورد نامگذاری مقام و باقی ماندن جای پای حضرت ابراهیم - ع - در سنگ مزبور سه وجه گفته‌اند:  
الف: چون هنگام ساختن کعبه دیوارها بلند شد و دسترسی ابراهیم به آن دشوار بود، اسماعیل سنگی را که به مقام مشهور است آورد و ابراهیم روی آن می‌ایستاد و خانه را می‌ساخت و آن سنگ را همچنان گرد خانه می‌گردانید، تا آنکه روبروی در خانهٔ خدا رسید.  
ابن عباس می‌گوید: چون ابراهیم روی آن سنگ می‌ایستاد، به مقام ابراهیم مشهور شده است. همچنین از او نقل شده است که چون ابراهیم روی آن سنگ ایستاد، دو پای او در آن فرو رفت. (ازرقی، اخبار مکه، مکه مکرمه، دارالثقافة ۱۴۰۳ هـ. ق. ج ۱، ص ۵۹؛ نظام الدین نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن، حاشیه تفسیر طبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۳۹۵).
- ب: آنگاه که به ابراهیم فرمان داده شد که به مردم اعلان حج کند، ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! صدای من بر



همگان نمی‌رسد، خداوند فرمود: تو اعلان کن، بر عهده من است که صدای تو را به همگان برسانم. ابراهیم بر فراز مقام قرار گرفت و مقام چندان مرتفع شد که از کوهها بلندتر گردید و چون ابلاغ کرد سنگ تاب نیاورد و دو پای ابراهیم در آن فرو رفت. (ازرقی، همان مدرک، ج ۲، ص ۳۰؛ صدوق، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، ص ۴۲۳). ج: بار دوم که ابراهیم از شام برای سرکشی به اسماعیل و هاجر به مکه آمد، همسر اسماعیل سنگی برای ابراهیم آورد که بر آن بایستد تا سرش را شستشو دهد، چون ابراهیم پا بر آن نهاد، پای وی در سنگ فرو رفت و اثرش باقی ماند (مجمع البیان، طبرسی، تهران، مکتبه العلمیه الإسلامیه، ج ۱، ص ۲۰۳).

برخی احتمال داده‌اند که حضرت ابراهیم در هر سه مورد، روی همین سنگ قرار گرفته است؛ یعنی سنگی که همسر اسماعیل برای ابراهیم آورد تا بر آن پا نهد که سرش را شستشو دهد، همان سنگ را اسماعیل برای او آورد تا بر آن بایستد و خانه را بسازد و ابراهیم باز بر همان سنگ ایستاد و فرمان زیارت خانه خدا را ابلاغ کرد (نظام الدین نیشابوری، همان مدرک، ص ۳۹۵).

۳ - ابو علی الفضل بن حسن الطبرسی، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ازرقی، اخبار مکه، مکه، دارالثقافه، ۱۴۰۳ ه. ق.، ج ۲، ص ۲۹.

۴ - آل عمران: ۹۷.

۵ - ابن سعد، طبقات، ج ۳، ص ۲۸۴؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۶۹؛ فاکهی، اخبار مکه، مکه المکرمة، مکتبه و مطبعة النهضة الحدیثه، ج ۱، ص ۴۵۴ و ۴۵۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم انتشارات اسماعیلیان (افست)، ج ۱۲، ص ۷۵؛ جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، منشورات الشریف رضی (افست)، ص ۱۳۷؛ رشید رضا، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۴۶۲.

۶ - ازرقی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۲.

۷ - صدوق، علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۴۲۳؛ کلینی، الروضة من الکافی، ترجمه کمره‌ای، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۷ ه. ق. ج ۱، ص ۹۶ - ۹۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت - علیهم السلام - ۱۴۱۲ ه. ق. ج ۱۳، ص ۳۵۰.

۸ - ازرقی، همان کتاب، ص ۳۰ و ۳۱.

۹ - «و اتخذوا من مقام ابراهیم مُصلًی»؛ بقره: ۱۲۵.

۱۰ - فاکهی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۵۵؛ فاسی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۲۰۷.

۱۱ - از راویانی است که برخی او را ضعیف و برخی قوی و مورد اعتماد دانسته‌اند، رک به: میزان الاعتدال ذهبی، ج ۳، ص ۴۰۹، ذیل شماره ۶۹۴۸ - م.

۱۲ - طبری می‌گوید این سیل در سال هفدهم هجرت بوده است.

۱۳ - مطلب روز فتح مکه مسلمان شد، پدرش در جنگ بدر اسیر شد، مطلب مدتی ساکن کوفه بود و سپس به مدینه برگشت، رک به: ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۷۴ - م.

۱۴ - اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، چاپ و نشر بنیاد مستضعفان، ۱۳۶۸ ه. ش. ج ۲، ص ۳۲۷.

۱۵ - فاکهی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ابن سعد، همان کتاب، ج ۳، ص ۲۸۴؛ ابن ابی الحدید، همان کتاب، ج ۱۲، ص ۷۵؛ ابن حجر عسقلانی، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۶۹؛ سیوطی، همان کتاب، ص ۱۳۷؛ رشید رضا، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۶۲؛ ازرقی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۲.

۱۶ - صدوق، همان کتاب، ص ۴۲۳؛ ابوالقاسم کوفی، الأستاثاة، ص ۴۳؛ کلینی، الروضة من الکافی، ترجمه کمره‌ای،

- تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۷ هـ. ق. ص ۹۶ - ۹۵؛ مظفر، دلائل الصدق، بیروت، دارالوفاء، ج ۳، ص ۱۳۶.
- ۱۷ - فاکهی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۵۴.
- ۱۸ - فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة، ج ۳، ص ۱۶۹.
- ۱۹ - همان.
- ۲۰ - همان.
- ۲۱ - ابن حجر، همان کتاب، ج ۱، ص ۶۹ البته در صفحات آینده خواهیم گفت که تغییر محل مقام، مورد اعتراض امامان معصوم و جانشینان واقعی پیامبر واقع شده است.
- ۲۲ - همان.
- ۲۳ - همان.
- ۲۴ - حسین عبدالله سلامه، تاریخ عمارة مسجدالحرام، جده، ۱۴۰۰ هـ. ق. الکتاب العربی السعودی، ص ۱۵۰.
- ۲۵ - کلینی، الروضة من الکافی، ط ۲، تهران، ۱۳۸۹ هـ. ق. دارالکتب الاسلامیه، ص ۶۳ - ۵۸.
- ۲۶ - حج: ۲۷.
- ۲۷ - صدوق، علل الشرایع، نجف، مکتبة الحیدریة، ص ۴۲۳.
- ۲۸ - شیخ حرّ عاملی، همان مدرک، ج ۱۳، ص ۴۲۲، ح ۱۸۱۱۲.
- ۲۹ - همان، ص ۳۵۰، ح ۱۷۹۲۰؛ توضیح: خوانندگان گرامی توجه داشته باشند که نظر فقهای شیعه در مورد محدوده طواف بدین شرح است:
- الف: امام خمینی - قده - : در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب. (امام خمینی - ره - ، مناسک حج، قم، پاسدار اسلام، ص ۱۲۱).
- ب: آیه‌الله خویی - ره - : ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر و اولی است. (افتخاری، آراء المراجع، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ص ۲۳۱).
- ج: آیه‌الله گلپایگانی - ره - : در صورت ازدحام طواف کنندگان، تا حدی که عرفاً اتصال آنان محفوظ باشد، در فاصله بیشتر از حد مذکور، در پشت مقام ابراهیم - علیه السلام - نیز طواف صحیح است، و در این حال تفاوتی بین مضطرّ و غیر آن نیست. (آداب و احکام حج، انتشارات دارالقرآن الکریم، ص ۲۰۰).
- ۳۰ - آیه‌الله داماد، کتاب الحج، (تقریر آیه‌الله جوادی املی)، ج ۱، ص ۴۷۲.
- ۳۱ - آیه‌الله داماد، همان مدرک، ص ۴۶۲.